

امروز شما

فروردین
 امروز صبح همین که وارد محل کارتان می شوید دریایی از مسائل و مشکلات شما را به مبارزه می طلبند. این آن استقبالی نیست که انتظارش را داشته اید، اما این شرایط هم برای شما تازگی ندارد و چیزی نیست که نتوانید از پس آن بر بیایید.
آردبهبخت
 امروز برای شما ترکیبی فوق العاده از آرامش، هماهنگی و احساسات خواهد بود، پس از این فرصت فوق العاده بیشترین بهره ی ممکن را ببرید.
خرداد
 تلاش هایی که برای بهتر شدن ظاهر خانه ی خود انجام داده اید به نتیجه رسیده اند و منزلتان فوق العاده به نظر می رسد. هر کسی که وارد خانه تان می شود همین نظر را دارد و سلیقه تان را تحسین می کند.
تبر
 امروز صبح که از خواب بیدار می شوید احساس می کنید از کارهای مهمی که برای امروزتان در نظر داشته اید عقب مانده اید و ناگهان دچار نگرانی و استرس می شوید. خونسردی خودتان را حفظ کنید، هر چقدر که دلتان بخواهد برای انجام این کارها وقت دارید و هنوز ابتدای روز است.
مرداد
 ثروت و درآمد بیشتر خیلی زود به سراغ شما خواهد آمد، مخصوصاً حالا که یاد گرفته اید منابع مالی خود را مدیریت کرده و از آن ها به درستی استفاده کنید.
شهریور
 شخصی که برای شما خیلی عزیز است و دوستش دارید در شرایط فعلی خود و در رویارویی با مشکلی که برایش پیش آمده است به جای سخنرانی و نصیحت های شما به حمایتان نیاز دارد.
مهر
 امروز کارهای زیادی برای انجام دادن خواهید داشت، خیلی بیشتر از آنچه فکرش را بکنید، پس صبحانه و ناهارتان را به موقع و به بهترین نحو ممکن بخورید و از هر فرصتی که دست می دهد برای استراحت کردن و تجدید قوا استفاده کنید.
آبان
 قراری که برای امروز داشته اید و خیلی هم برایتان مهم بوده و امیدوار بوده اید که حسابی به شما خوش بگذرد، ممکن است به دلیل بروز شرایطی که کنترل آن ها کاملاً از دست شما خارج است کنسل شود.
آذر
 بی هیچ شکمی می توان گفت که شما طی چند هفته ی گذشته به سختی کار کرده اید. موعد تحویل یک پروژه و یا تکمیل یک کار مهم دارد فرامی رسد و شما این اواخر نتوانسته اید شبها خواب راحتی داشته باشید.
دی
 شما امروز و یا امشب را برای دیدار با عشقتان کنار گذاشته اید و دارید خودتان را به بهترین شکل ممکن برای یک قرار بسیار رمانتیک آماده می کنید.
بهمن
 امروز ممکن است فرصت های جالبی برای کسب درآمد بیشتر در اختیارتان قرار بگیرند که همین امروز و یا در آینده ی خیلی نزدیک به ثمر خواهند نشست.
اسفند
 امروز آن قدر کار برای انجام دادن دارید که نمی توانید باید از کجا شروع کنید و در ابتدای روز احساس پلکتیکی می کنید. تا نیمه های روز اوضاع به نظرتان آن قدر درهم و پیرهم شده است که دیگر تحمل ادامه ی روز را نخواهید داشت.

گفت و گو با «زنده گیر» و حیوان فروش سابق که پس از توبه، فعال محیط زیست شده است:

با میله های قفسی مشکل دارم

بنیان گذار و دبیر کل تشکل زیست محیطی کلاه سفیدهای کازرون یک حیوان فروش چیره دست بوده، یک حرفه ای، از آن آدم ها که می گویند هفت کوره جوشیده اند. او علی قاسم پور است، ۴۰ ساله، متولد تهران و ساکن کازرون، فرزند یک زوج فرهنگی، یک توباب. او شش سال است متحول شده و شده ضد علی قاسم پور قدیم.
 به گزارش روزنامه طلوع به نقل از سایت خبری اداره کل محیط زیست استان تهران او سالها پرنده ها را در قفس زندانی کرد، حتی پرنده ها را زنده گیری کرد و نشاند پشت ویتترین مغازه اش، حیوانات دیگر را هم هرچه را که به فخرمان برسد خرید و فروخت؛ اما شش سال قبل یک خواب او را عوض کرد و شد علی قاسم پور امروز، کسی که تیمارگر حیوانات زخمی و ناجی پرنده های دریند است، علی می گوید حیوانات اسیر نیستند و ما هم زندانبان نیستیم؛ او شش سال است با میله های قفس، با حس اسارت و ضجه های شنیده نشده حیوانات مشکل دارد.
اگر بخواهم شما را توصیف کنم، مردی هستی که روزگاری طولانی حیوانات را اسیر می خواسته و حالا چند سالی است علیه اسارت حیوانات طیفان کرده. چند سال است متحول شده اید؟ تقریباً شش سال.
 علی قاسم پور یکی از پرنده فروش ها و پرنده بازاری معروف بود و خیلی از حیوانات را در اسارت داشته؛ ولی الان دگرگون شده و دارد درهای قفس ها را یکی یکی باز می کند و پرنده ها را به آسمان برمی گرداند و حیوانات زخمی و مستأصل را تیمار می کند. این دگرگونی را مدیون خداوند و دوستان خوبم هستم.
**حیوان فروشی از فرزند یک پدر و مادر فرهنگی دور از انتظار است. چه شد که در این راه افتادید؟ من از بچگی به حیوانات علاقه داشتم؛ اما این علاقه که متأسفانه گذاشتمش توی آفتاب و فراموش کردم برش بود، باور می کنید؟ پدر بزرگ مرحوم و عموی بزرگم هر دو پرنده نگه می داشتند، عموم معروف به رهبر یکی از عشق بازاریهای کازرون بود و دایی مرحومم یکی از عشق بازاریهای معروف تهران در ۳۰ متری جی، من با دیدن این ها به نگهداری حیوانات علاقه مند شدم و تا ته خط رفتم آن قدر که حرف های و معروف شدم، البته بقیه اعضای خانواده با این کار مخالف بودند و همه یک جورایی با علائقم ضدیت داشتند.
در همه سال هایی که مشغول حیوان فروشی بودید هیچ وقت دلتان برای حیوانات در قفس سوخت؟ بله یکبار، دانش آموز ابتدایی که بودم یک قفاری داشتم که متأسفانه گذاشتمش توی آفتاب و فراموش کردم برش دارم. بعد رفتم سر جلسه امتحان و وقتی برگشتم دیدم پرنده توی قفس خشک شده. آن روز خیلی گریه کردم. از شش سال پیش تا امروز هم اسارت پرنده ها باعث ناراحتی ام می شود برای همین به همه توصیه می کنم دست از اسیر کردن پرنده ها بردارید و به هیچ وجه سراغ جوجه پرنده ها در لانه شان نروید. من از همه می خواهم یک لحظه خودشان را جای پرنده یا حیوانی بگذارند که لانه اش ویران و بیچه هایش زنده شده. اگر یک زمانی از خانه تان بیرون رفتید و وقتی برگشتید همه چیز را ویران ببینید چه نفرینی می کنید و دوست دارید چه بلایی بر سر فرد متجاوز بیاورید؟ حتی وقتی حیوان فروشی هم می کردم این حرف ها را به مردم می گفتم. من دوست دارم تا فرصت دارم جبران کنم. یکی از دعاها هم این است که روزی برسد که دیگر هیچ پرنده های اسیر میله های قفس نباشد و این روند را تا آخر عمرم ادامه می دهم.
حیوان فروشی از چه زمانی تبدیل به شغل شما شد؟ از حدود ۱۷ سال پیش این کار را شروع کردم و خیلی حرف های در این کسب و کار جلو رفتم. یعنی هر حیوانی برای فروش در بساط شما پیدا می شد؟ بله از خزنده و پرنده و چرند همه را داشتم.
مغازه کجا بود؟ کازرون.
هیج وقت در بازار مخوف حیوان فروش های تهران در مولوی بوده اید؟ بله در این بازار هم بوده ام؛ اما در آن صحنه های را دیدم که از بازگو کردنش شرم دارم.
چه صحنه هایی؟ من سنجاب هایی را دیدم که هیچ کدامشان دندان جلو نداشتند چون آن ها را شکسته بودند تا گاز نگیرند. بیاید خودمان را جای اسیر بگذاریم؛ اگر روزی دست و پای شما را ببندند و در یک انباری بگذارند و آب و غذا هم به شما ندهند چه حسی دارید؟**



تابه حال شکار رفته اید؟ شکار به این معنی که تفنگ به سمت حیوان بگیرم هرگز؛ اما پرنده ها را زنده گیری کرده ام؛ ولی زنده گیری هم یک نوع شکار است و تفاوت ماهوی چندانی با تفنگ به دست گرفتن ندارد؛ من در کازرون پرنده های ریز مثل سهره و بلبل خرما را زنده گیری می کردم، بیشتر وقت ها هم این پرنده ها را از زنده گیرها می خریدم و می فروختم.
پرنده ها را چطور می گیرند؟ با تور زمینی. مستندهایی را دیده ام که عده ای از زنده گیرها روی شاخه درختان چسب می مالند و پرنده چسبیده را اسیر می کنند. این اقتضاح ترین کار است. ما با تور زمینی می گرفتیم. یکی از مشکلات بزرگ ما نداشتن فرهنگ صحیح است. چند وقت پیش چند شکارچی تعداد زیادی سهره گرفته بودند که من همه را گرفتم و آزاد کردم؛ اما حرفم این است که چرا برای صید پرنده ها مجوز می دهند. اسارت پرنده های وحشی یک روز باید برای همیشه تمام شود و دست درازی انسان به طبیعت یک روز باید قطع شود. این اتفاق هم نمی افتد مگر این که از خودمان شروع کنیم و بعد از دیگران بخواهیم که تغییر کنند.
در مورد زنده گیری بیشتر توضیح می دهید؟ دام های زمینی معروف به تور سهره گیری، دام های ساده ای است که بندش مثل فتر عمل می کند و دو چوب به صورت فنری روی این تور کار می کند و وقتی بندها را می کشند، چوبها بلند می شود و دو لب تور روی هم قرار می گیرد. معمولاً هم دو تا سه تا از همان جنس پرنده را به صورت پر چیده و پا بسته به زمین می بندند تا پرنده آزاد با دیدن هم جنس هایش روی تور بنشیند. این دقیقاً همان لحظه ای است که صیاد بند را می کشد.
بابت این زنده گیری ها عذاب وجدان دارید؟ کار خوبی نبود، اشتباه بود، عذاب وجدان هم دارم البته زنده گیری را زود گذاشتم کنار؛ ولی از زنده گیرها پرنده زیاد خریدم.
هر پرنده را چند می خریدید؟ آن زمان که در این کار بودم هر سهره را دانه ای ۲۰۰۰ تومان می خریدم.
ملاک قیمت گذاری چه بود؟ خیلی الکی. اگر مردم بدانند قیمت این پرنده در طبیعت چند است هیچ وقت پرنده ها را اسیر نمی کنند.
پرنده های ۲۰۰۰ تومانی را چند می فروختید؟ پنج شش برابر بیشتر.
بازار خوب بود؟ انظر تعداد مشتری و میزان فروش خوب بود، ولی وقتی فکرش را می کشم نه خوب نبود. لابد موافقش هم خوب است و درآمدش بالاست؛ ولی اگر موافقش بدانند پولی که به دست می آورد چقدر ناله و نفرین، بچه طلاق و زندگی های ویران پشتش هست شاید دست از کارش بکشد.
فکر نمی کنید آه و ناله حیوانات اسیر پشت سر شماست؟ من همیشه سعی می کردم با حیوانات اسیر مهربان باشم، اما الان مشکل با میله های قفس است.
برایمان از داستان قاچاق حیوانات و پشت پرده های بگویند. حیوانات از کجا می آیند، وارداتشان دست چه کسانی و از کدام مرزهاست؟ حیوانات دارند از چهار گوشه کشور وارد می شوند، بیشتر هم از مرزهای شرقی می آیند.
جزئیات بیشتری بدهید. به هیچ وجه حاضر به ارائه اطلاعات نیست و

کازرون - جوانه های انجیر... از نگاه دوربین



عکاس: محمدرضا نوکام

پسری که مانند مرغ تخم می گذارد

کاملاً سالم از بدن او خارج شد. طبق گزارش رسانه های محلی، این اولین باری نیست که آکمال تخم می گذارد و در طول دو سال گذشته، ۱۸ بار دیگر این اتفاق برای او تکرار شده است.
 پدر او می گوید: «هنگامی که اولین تخم مرغ را شکستم تمام محتویات آن زرد بود. ماه بعد که تخم مرغ دوم را شکستم تمام محتویات آن سفید بود و هیچ رنگ زردی به چشم نمی خورد».
 محمد تسلیم، سنگگوی بیمارستان، می گوید: برخی بر این باورند که این تخم مرغ ها به عمد بلعیده شده اند؛ اما ما نشانی از غیر واقعی بودن این پدیده مشاهده نکردیم.
 او در ادامه اضافه کرد: انظر علمی تخم مرغ نمی تواند در بدن انسان شکل بگیرد و این امر وجود دو عدد تخم مرغ در شکم این پسر ۱۴ ساله را تأیید می کند.
 پدر روسلی در مصاحبه ای گفته است: «آکمال از اوایل روز از معده درد شکایت می کرد. ما او را به بیمارستان شیخ یوسف رساندیم و دکترها پس از اسکن بدن او وجود دو تخم مرغ را تشخیص دادند».
 به گفته او، اگرچه تلاش برای بیرون آوردن تخم مرغ بسیار دشوار بود، اما این شی غیر انسانی اندازه شبیه تخم مرغ هستند!



یک پسر ۱۴ ساله اندونزیایی با توانایی «شگفت آور» خود در تخم گذاری، توجه رسانه ها را به خود جلب کرده است.
 به گزارش جام جم آنلاین به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان، تلویزیون دولتی اندونزی داستان «آکمال روسلی»، پسری از کابوپاتن گوا (منطقه ای در جنوب سولاوسی) را نشان داد که طبق گزارش ها در یک بیمارستان محلی دو عدد تخم گذاشته است که از نظر محتویات و اندازه شبیه تخم مرغ هستند!